

تأثیر شعر خاقانی بر ادیب پیشاوری^۱

احمد امین^۱، اعظم پوینده پور^۲

^۱ دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دولتی شهرکرد، ایران

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

سید احمد مشهور به ادیب پیشاوری در حدود نیمه دوم قرن سیزدهم هجری در پیشاور یکی از شهرهای معروف پاکستان دیده به جهان گشود. هنوز چند سالی از تولد ادیب نگذشته بود که نظامیان انگلیس دست به اشغال پیشاور زدند ادیب به همراه پدر و بستگان خود در این جنگ شرکت کرد و کوشید زادگاه خویش را از تصرف بیگانگان بیرون آورد اما متأسفانه در این نبرد پدر، عموها و اغلب بستگان ادیب به قتل رسیدند. از این رو ادیب بنا بر پیشنهاد مادر پیشاور را ترک گفت و مدتی در شهرهای افغانستان و خراسان به تحصیل علوم معقول و منقول پرداخت و در اغلب علوم سرآمد عصر خود گردید. وی در سال ۱۳۰۰ ق به تهران هجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر اقامت داشت.

ادیب از میان شعرای بزرگ پیشین بیش از همه به شیوه خاقانی در سرودن قصاید توجه نشان داده و برای رساندن پیام های خود زبانی شبیه زبان خاقانی را برگزیده است به استقبال بعضی قصاید خاقانی می رود و بعضی قصایدش را پیروی می کند و گاه به رقابت با خاقانی می پردازد و خود را از او برتر می شمرد. در این مقاله بر آن بوده ایم تا تا بازتاب شعر خاقانی کبیر در شعر ادیب را به نظاره بنشینیم

واژه های کلیدی: ادیب پیشاوری، خاقانی، شعر

^۱ داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

۱- مقدمه

ادیب در شعر سبک استادان قدیم به ویژه فردوسی و خاقانی را با موفقیت پیروی می کرد. کثرت اطلاع او از فرهنگ اسلامی و علوم مختلف قدیم و تبحرش در لغت فارسی و عربی باعث شد که شعرش مشحون از اطلاعات و معلومات مختلف گردد. ادیب از میان شعرای بزرگ پیشین بیش از همه به شیوه خاقانی در سرودن قصاید توجه نشان داده و برای رساندن پیام های خود زبانی شبیه زبان خاقانی را برگزیده است. به استقبال بعضی قصاید خاقانی می رود و بعضی قصایدش را پیروی می کند و گاه به رقابت با خاقانی می پردازد و خود را از او برتر می شمرد.

قطعا موثرترین دلیل ارادت ادیب پیشاوری به خاقانی این است که شاعر سروان در نظم و نثر خویش توجه و تعلق شدیدی به مکه و مدینه و کعبه و سایر اماکن و مناسک و مشاعر حج بیت الله (تبارک و تعالی) نشان داده و آن همه را نیز چونان شیر و شکر با مدح خواجه کائنات محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) در هم آمیخته است.

در این باب به درستی نوشته اند:

در میان شاعران فارسی گوی، بی شک، خاقانی از نظر سرودن کثرت شعر برای کعبه یگانه است. این شاعر توانا که فرهنگی غنی و ذهنی پر بار از افکار جوان و تصاویر بکر و تازه دارد بیش از هر شاعر دیگری در تمجید و ستایش کعبه، شعر- و شعر والا- عرضه کرده است. در میان قصاید او نزدیک به ده قصیده است که در رابطه با کعبه سروده شده است. (بدون احتساب مطلع های تجدید شده) و بیشتر این قصاید نیز از سروده های مشهور و زبانزد خاقانی است. (همان، ص ۴۱) برای مثال قصیده با مطلع:

خیمه روحانیان کرد معنیر طناب

زد نفس سر به مهر صبح ملمع نقاب

و قصیده با مطلع

صبح را چون محرمان کعبه عریان دیده اند

شبروان در صبح صادق کعبه جان دیده اند

و قصیده دیگری که با این مصرع آغاز می شود:

صبح از حمایل فلک آهیخت خنجرش ...

که هر سه از امهات قصاید فارسی و از زیباترین سروده های افضل الدین خاقانی است، نجار زاده ای که شعرش از غنی ترین، زیباترین و غراترین شعرهای فارسی است و طبعاً قصاید کعبه ای اش نیز از آن زیبایی و غنا و غرایبی بهره کامل برده اند. بر خورد او با کعبه برخوردی شیفته وار است. شاعر گویی عاشقی است که دیدار معشوق از خود بیخودش کرده است.

نکته دیگری که احتمالاً در تعلق خاطر ادیب پیشاوری به خاقانی بی تأثیر نبوده آن است که: اگر به دیوان خاقانی نظری افکنند (همچون دیوان ادیب پیشاوری) ممکن است «در وهله اول اغلاق کلمات و استحکام جملات و تشبیهات و استعارات لطیف مخصوص به او، خواننده را از درک میزان علم و هنر او باز دارد ولی مرد محقق پس از اندک تأملی درمی یابد که دیوان او دریایی است از معلومات آن عصر از طب و نجوم و ادب حکمت و غیره. و پیداست که خاقانی علوم و فنون زمان خود را به بهترین وجهی آموخته و از هیچ دقیقه ای فرو گذار نکرده و مطابق معمول زمان خود در عربیت دستی پیدا کرده بوده است. به همین جهت در اشعار او همه گونه اشاره به علوم و فنون مختلف زمان خود یا به اشعار شعرای عرب و به داستان ها و افسانه های ایشان دیده می شود.» هر دو تن- گویی- پردگیان حریم معنی را در معرض دید همگان نمی پسندیدند.

نمونه ای از معلومات و اطلاعات وسیع خاقانی از غالب علوم و فنون زمانه خویش (از قبیل نجوم، هیئت، طب، فلسفه، ریاضی و غیره) را دکتر یحیی قریب در مقدمه خویش بر مثنوی تحفه العراقرین خاقانی نشان داده است.

۲- متن تحقیق

ادیب پیشاوری خاقانی را بس بزرگ می شمرد و در جای جای اشعار خویش از یادآوری نام و یاد وی غفلت نداشت. ارادت ادیب به حکیم شروان چنان بود که مرحوم آیت الله حاج شیخ حسین لنکرانی می فرمود: آن هنگام که دیوان خاقانی را به محضر ادیب می آوردند، تعظیم مقام شاعر را، از جای بر می خاست. این تعظیم، می تواند عمدتاً به پاس قصائد استواری باشد که خاقانی در وصف مکه و مدینه و مدح رسول گرامی اسلام «ص» سروده است. (همان، ص ۴۴)

ادیب در دیوان خویش با اشارت به این بیت خاقانی که:

ما فتنه بر توایم و تو فتنه بر آینه
ما را نگاه در تو ترا اندر آینه

گوید:

بادا هزار رحمت بر خاک آنکه گفت
«ما فتنه بر توایم و تو فتنه بر آینه»

رخشنده باد بهر نثار ضریح او
هر صبحدم زمیغ^۲ پر از گوهر آینه

در اقتفای قصیده مشهور خاقانی (هان ای دل عبرت بین...!) ادیب را قصیدتی طولانی با همان وزن و قافیت است به مطلع:

بنهاد برآی و رو بنیاد جهان یزدان
وز نقش درآی و شو زد مهر بر این ایوان

که ضمن آن به ذکر بی اعتباری دنیا، طعن جباران، و تنقید شدید از زمامداران خائن و مستبد وقت ایران پرداخته و ذکر بخش هایی از آن در جای جای کتاب حاضر آمده است. افزون بر این، در قصاید دیگری نیز که ادیب با مضامین اخلاقی یا اجتماعی و سیاسی سروده به استقبال خاقانی رفته است. همچون قصایدی با مطلع:

دوشم خجسته ظل همای از در پدیدار آمده
بگرفته چون مرغ سبای نامه به منقار آمده

و یا:

چون روز خود ندید سکندر در آینه
بیهوده بود کردن اسکندر آینه

ادیب کراراً از حیث هنر شعری و نیز خصال روحی و اخلاقی، خویشتن را با خاقانی در دو کفه ترازو نهاده و در این قیاس عمده مباحثش به مقام سیادت و نیز وارستگی و بی نظری خویش در سرودن اشعار است:

از حیث نسب، خاقانی پور درودگر و فرزند علی نجار است. چنانکه خود در «تحفه العراقین» بدین معنی تصریح کرده است:

وز سوی پدر دروگرم دان
استاد سخن تراش دوران

از بر خلایقم سبکبار
بر مائده علی نجار

اما ادیب نسب از عترت وحی «ع» دارد و از تبار امامان معصوم است. (صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین) و : میان ماه من تا ماه گردون ...

^۲ - میغ به معنی ابر است.

سبق زپورعلی «ع» پور درو گریبند؟

غیرت خاقانیم در سخن و خود کجا

در باغ روزم زاغ شب یارد کجا تا پر زند؟

نور سروشم از حسب، پور رضایم در نسب

از حیث حسب (به معنی اخلاق و شخصیت انسانی) نیز باید توجه داشت که شاعر شاه سروان، شعر از بهر صلت می سرود و شیوایی نطقش رونق از جود خاقان داشت. آری مرغ سروان پیش از آنکه به کنج عزلت رود، در پی دست یابی به جاه و جامه و فزونی بر امثال و اقران بود، اما ادیب شیر از پستان خویش می مکید و توسن طبعش به هر سو می تاخت از قید بستگی به زر و زور آزاد بود. خنجرش جز به مدح حیدر و آل «ع» خامه نمی تراشید و هر چند مدح قیصر گفته ولی در مدیح وی را به رایگان سفته و در این راه حتی از قبول کمترین هدیه نیز سرباز زده است.

که تا پیش خاقان سروان نماید

برآرید ارژنگ وار او چکامه

فزونی بر امثال و اقران نماید...

صلت یابد و حرمت و جاه و جامه

بدین رنگ و بوها گروگان نماید...

نباید خردمند مردم که دل را

نه کت صیتی از قرب خاقان نماید

درافکن به گیتی در آوازه از خود

که بر تنت مرقوع^۳ و خلقان^۴ نماید

به از خلعت میر دان جامه خود

جای دیگر ادیب در قصیده بلندی که با مطلع «چون روز خود ندید سکندر در آینه...» در استقبال از شعر خاقانی سروده، پای را فراتر نهاده و گفته است: چنانچه آینه- جام جهان بین- میان او و خاقانی داور شود وی را بر خاقانی کبیر ترجیح خواهد داد: فرمان به من دهد، نه به خاقانی کبیر

نز دستبرد طبع وی از ششدر^۶ آینه

با نقش کعبتین^۵ من آمد به درچو برق

شد اندر این زمانه عجب اشعر آینه

آئینه در زمانه او بود شاعری

۳ - مرقوع: مرقع، جامه پینه دار و پاره پاره به هم دوخته، خرجه ای که پینه های چهارگوش داشته باشد.

۴ - خلقان: جامه های کهنه.

۵ - کعبتین: دو تاس که در بازی نرد به کار می رود.

۶ - ششدر افتادن در بازی نرد، زمانی است که حریف شش خانه مقابل مهره های طرف را گرفته و او نتواند مهره های خویش را حرکت دهد.

گر نادره ی زمانه بد آدون ^۷ که گفت او	ایدون شد از عنایت من اندر ^۸ آینه
در عهد او گر آینه می کرد ساحری	با طبع من قرین شد و شد اسحر ^۹ آینه
بر آینه ی توانگر وی از عطای شاه	پیشی گرفت- ای عجب!- این افقر ^{۱۰} آینه
گر از بهار او چو گیا ^{۱۱} رست آینه	رست از دی ام چو عبهر ^{۱۲} و سیسنبر ^{۱۳} آینه
در فروردین او اگر آئینه خوش شکفت	خوشر از آن شکفت به شهرپور آینه
میزان ^{۱۴} راستی است چو آئینه، پس خلاف	نزد من کند قبول و نه زو باور آینه
محضر به پیش قاضی و شاهد چرا برم؟	هم شاهی است عادل و هم محضر ^{۱۵} آینه

و نیز در اشعار بسیار دیگری بازتاب شعر خاقانی در شعر ادیب مشهود است:

خاقانی :

خاقانی از این درگه دریوزه عبرت کن تا از درتو زان پس دریوزه کند خاقان

خاقانی : ۳۵۸

ادیب :

عبرت چو همی گیری می گیر از این ره تو کان ما و منیها چون با خاک شده یکسان
عبرت چه بود پرهیز و حذر ز آنچه بنیاد نهادند و هشتند به صد حرمان

ادیب: ۹۲

و خود را بالاتر از خاقانی شمرده و می گوید :

^۷ - آدون: اشاره به زمان ماضی.

^۸ - اندر: نادرتر، کمیاب تر.

^۹ - اسحر: ساحرتر.

^{۱۰} - افقر: فقیرتر.

^{۱۱} - گیا: مخفف گیاه.

^{۱۲} - عبهر: گل نرگس.

^{۱۳} - سیسنبر: گیاهی میان پونه و نعناع.

^{۱۴} - میزان: ترازو.

^{۱۵} - مقصود از سنه ثانون (ث+ن) به حساب حروف ابجد سال ۵۵۰ هجری قمری است که خاقانی برای نخستین بار مشرف به حج گشت و در بازگشت به خدمت وزیر موصل و سپس خلیفه عباسی رسید. چنانکه خود گوید:

در سنه ثانون الف به حضرت موصل راندم ثانون الف سزای صفاهان

گر در سنه ثانون گوینده بدی چون من از هول بلرزیدی خاقانی و هم خاقان

ادیب: ۹۶

ادیب چند قصیده دیگر به شیوه خاقانی سروده است .

خاقانی :

عید است و پیش از صبحدم مزده به خمار آمده بر چرخ دوش از جام جم یک نیمه دیدار آمده

خاقانی: ۳۳۸

ادیب :

دوش خجسته ظل همای از در پدیدار آمده بگرفته چون مرغ سیای نامه به منقار آمده

ادیب: ۱۰۰

خاقانی :

رخسار صبح را نگر از برقع زرش کز دست شاه جامه عیدست در برش

خاقانی: ۲۲۱

ادیب :

هنگام بازگشت گله از چراگهش امد دمنده گرگ گرسنه فرا رهش

ادیب: ۶۴

خاقانی :

ما فتنه بر توایم و تو فتنه بر اینه ما را نگاه در تو و تو را در اینه

خاقانی: ۳۹۸

ادیب:

چون روی خود ندید سکندر در اینه بیهوده بود کردن اسکندر اینه

و بالاخره در پایان قصیده ای که به استقبال از خاقانی و افتخای به قصیده مشهور او (هان ای دل عبرت بین! ...) سروده و در آن بسی پند و حکمت ریخته، گوید:

گر در سنه ثانون گوینده بدی چون من از هول بلرزیدی خاقانی و هم خاقان

گردن نفرزیدی چندین اگر او دیدی بر اسب سخن چون من افشارده مردی ران

این سحر نه بل معجز از برکن و پس بنگر این صورت دعوی را در آینه برهان

پیداست که خواننده تیزبین و صاحب‌دل در قبول یا رد این مدعا مختار است.

۳- نتیجه گیری

خاقانی از بلندپایه‌ترین شاعران پارسی‌گوی و از جمله ادیبانی است که مورد استقبال و اقتباس دیگر شاعران قرار گرفته است. بنا به وجود مضامین و تعبیر همانند در اشعار خاقانی و ادیب پیشاوری و نیز با توجه به پاره‌ای از غزلیات هم‌وزن و هم قافیه^۱ آن‌می‌توان نتایج‌پذیری این شاعر بزرگ را به دیوان خاقانی نتیجه گرفت.

منابع

۱. عبدالرسولی، علی، تصحیح دیوان خاقانی شروانی، (۱۳۱۶)، چاپ اول، تهران: وزات فرهنگ
۲. عبدالرسولی، علی، تصحیح دیوان ادیب پیشاوری، سلسه نشریات «ما»، (۱۳۶۲) چاپ دوم، تهران،
۳. پیشاوری، ادیب، کلیات دیوان ادیب پیشاوری، خط عبرت نایینی، نسخه خطی شماره ۱۳۷۶۸، کتابخانه مجلس شورای ملی سابق (بهارستان)